

# خوانش‌های نو از حکومت اسلامی

## گذر اسلامگرایی از شریعت بنیانی به اصول محوری



محمد قطرانی

نبی اکرم (ص) قلمداد می‌کند. البته جبرون تصریح می‌کند که این حکومت‌ها برای یافتن الگوی صحیح اسلامی شکل گرفته بودند. او در مورد این مسئله می‌گوید: «یکی از بارزترین صورت‌های انحراف در نگاه به مسئله اسلامی بودن دولت، که در متون معاصر-به‌خصوص اسلامگرایان- دیده می‌شود، غلبه تصورات شکلی و ساختاری به حکومت اسلامی است. در این نگاه، بین حکومت اسلامی و برخی ویژگی‌ها مانند حاکمیت و تطبیق شریعت، نظریه شورا و ... این همانی برقرار است. از سوی دیگر، گویا صرفاً حکومتی اسلامی است که ساختار و شکلی شبیه خلافت خلفای راشدین داشته باشد» (جبرون، ۲۰۱۴، ص ۱۲).

سنت شکنی جبرون به این مسئله منحصر نمی‌ماند و در گامی دیگر وی دولت‌های سلطنتی پس از خلفای راشدین را دارای مشروعیت و معیارهای شرعی می‌داند، امری که به روشنی مخالف نگاه اغلب اسلامگرایان معاصر اهل سنت است.

ناگفته نماند که جبرون شکل و ساختار دولت اسلامی را دارای مراحل تاریخی می‌داند. او نظریه حکومت اسلامی را، که نخستین بار توسط مودودی مطرح و بعدها به وسیله سید قطب وارد جهان عرب شد، بدیل نظریه سنتی خلافت تحلیل می‌کند و این مرحله را گذاری اندیشه‌ای در حوزه سیاست اسلامی قلمداد می‌کند. در نگاه جبرون، مودودی نظریه حاکمیت شریعت و اقرار به حکم الله خود را در راستای این تفکر ارائه داد که دینی بودن نظام سیاسی منوط به متأثر بودن آن نظام از قوانین شریعت است، کلامی که جبرون تمام‌قد با آن مخالف است. در نگاه جبرون، مشکل از آن

مفهوم حکومت اسلامی یا دینی همچنان یکی از پرسش‌های اساسی حوزه سیاست در جهان اسلام است. البته این سؤال گذشته‌ای دور دراز ندارد و شاید بتوان گفت الغای خلافت، که در آستانه صدمین سالگرد آن هستیم، این مسئله را به صدر چالش‌های مسلمانان در سده اخیر کشانده است. در سده اخیر متفکرین متعددی سعی کرده‌اند که به این پرسش پاسخ دهند: برخی مانند علی عبدالرزاق در الاسلام و اصول الحکم تلاشش را حول این محور قرار داد تا نشان دهد اساساً اسلام بر شکلی خاص از حکومت تأکید نکرده و برخی مانند رشید رضا و یا مودودی تشکیل خلافت و یا حکومت اسلامی را جزء امور ضروری دینی در عصر جدید می‌دانستند.

یکی از متفکرینی که در سال‌های اخیر تلاش نموده که به این مسئله پاسخ دهد دکتر محمد جبرون، استاد مراکشی تاریخ و اندیشه سیاسی، است. تاریخ تحولات سیاست در اسلام از اصلی‌ترین حوزه‌های مطالعاتی محمد جبرون است. جبرون در عین حال که جزء شورای مؤسسين حزب اسلامگرای عدالت و توسعه در مراکش است، اما خوانشی متفاوت از تصویر رایج ایرانی‌ها از نگاه اسلامگرایان سنی به حکومت اسلامی دارد. او در کتابش با عنوان مفهوم حکومت اسلامی، بحران مبانی و جبر مدنیسم مقومات اساسی حکومت اسلامی را نه شکل آن و نه حتی اجرای شریعت می‌داند. در ابتدا وی از قرائت کلاسیک اسلامگرایان سنی مبنی بر الگو بودن خلافت خلفای راشدین عبور کرده و دولت خلفا را نه به جهت نظری و نه در جانب تاریخی الگونی داد و آن را صرفاً مرحله گذار پس از رحلت